

شر کمتر همچون پسرفت استراتژیک^۱

رائول زیبه چی

سید سجاد هاشمی نژاد

با هر چه پرتنش تر شدن وضعیت بین‌المللی و نزدیک تر شدن لحظه‌های خطر اقدام هسته‌ای، اقدامات نیم‌بند و سیاست مبتنی بر «شر کمتر» محدودیت‌های جدی خود را آشکار می‌کنند و، بدتر از آن، ممکن است موجب از دست رفتن افق‌های دگرگونی‌بخش شوند؛ آن هم درست در زمانی که بیش از همیشه به این افق‌ها احتیاج است. چپ اروپایی و آمریکایی، برای جلوگیری از پیروزی داندل ترامپ، در تله‌ی انتخاب جو بایدن (و اکنون کامالا هریس) افتاده‌اند. چپ فرانسه هم در گذشته کار مشابهی کرده و از امانوئل ماکرون حمایت کرده تا راه مارین لاپن را ببندد. بخش بزرگی از سیاست‌ورزی آن‌ها پیرامون جلوگیری از پیشروی راست افراطی می‌گردد، اما چنین مسیری اتحادیهایی را صورت می‌دهد که سر خوردن چپ به سمت مرکز را شتاب می‌بخشند؛ که یعنی به سمت هیچ.

جبهه‌ی مردمی جدید فرانسه از طریق اتحاد با سوسیالیست‌ها و سبزها ساخته شد؛ یعنی با دو جریانی که سیاست‌هایشان عمیقاً نئولیبرال است، گوش به فرمان ایالات متحده‌اند و حامی جنگ در اوکراین. در سناریوی پساانتخابات هم برنده اصلی ماکرون و سوسیالیست‌ها بوده‌اند، و حزب «فرانسه‌ی تسلیم‌ناپذیر» بازنده‌ای است که در اتحاد دوفاکتو بین دو «مرکز» گرفتار شده است که هر یک برآمده از استعمال گفتمان علیه راست افراطی هستند.

«نیویورک تایمز» و «گاردین» و «ال پاییس» و رسانه‌های بسیاری از این دست، رسانه‌هایی هستند که به شدیدترین وجه سیاست‌ورزی علیه راست افراطی را تبلیغ می‌کنند، اما همین‌ها همزمان، حامی وخیم‌تر شدن اقدامات علیه مردم فلسطین و شدت بخشیدن به جنگ‌های جاری هستند.

حالا روشن شده که راست افراطی مترسکی در دست راست نئولیبرال است (که من به اصطلاح سوسیالیست‌ها را جزو آن‌ها می‌دانم) برای اینکه به مدل نئولیبرالی استخراج‌مدار مشروعیت دهد. می‌خواهند ما را قانع کنند که

¹ El mal menor como deserción estratégica. (Raul Zibechi)

تفاوت عظیمی هست مثلاً میان بایدن/هریس و ترامپ، یا میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان. البته مقصود من از این سخن آن نیست که کوچکترین سهل‌گیری‌ای در قبال آن سیاست‌مداران افراطی و سیاست‌های آشکارا نژادپرستانه و بیگانه‌هراسانه‌شان داشته باشیم.

اما در حقیقت تفاوت‌های راست و راست افراطی بسیار اندک است، و ضمناً شباهت‌های بسیاری هم بین آن دو و سوسیال‌دموکراسی‌ها می‌بینیم. در مسائل محوری، فی‌المثل در امر دولت‌داری، نقاط مشترک غالبند: در اسپانیا همه‌ی این جریان‌ها با قدرت تمام مخالف استقلال‌خواهی‌اند، در سطح بین‌المللی جنگ‌طلبند، و با چنگ و دندان از الگوی انباشت از طریق سلب مالکیت در سراسر کره‌ی زمین، که بحران اقلیمی را عمیق و عمیق‌تر می‌کند، پشتیبانی می‌کنند.

بعد از غزه، دنیا جایی متفاوت است. یکی از تغییرات کلیدی آن است که تضاد قدیمی راست-چپ در حال دود شدن است و تقابل تازه‌ای در مقیاس جهانی سربرآورده که در حال تبدیل شدن به تقابل اصلی است: تعارض میان شمال جهانی و جنوب جهانی. این تنازع تازه نیست، و دست‌کم از فرایند استعمارزدایی در دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آغاز شد و با جنبش غیرمتمعه‌دها و کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ قدرت گرفت.

جنگ‌ها در اوکراین، غزه و خاورمیانه در حال دگرگون کردن صحنه‌ی جهانی‌اند. این حقیقت که اکثریت جنوب جهانی با تحریم‌هایی که ایالات متحده علیه روسیه وضع کرده همراهی نکرده‌اند و از فلسطین پشتیبانی می‌کنند، یک نشانه‌ی بزرگ از این تحول ژرف است.

این‌طور که دولت دموکرات در ایالات متحده از مذاکره برای ایجاد صلح در اوکراین سر باز می‌زند و به نتانیاهو اختیار تام برای تداوم جنگ‌افروزی‌اش در غزه و کرانه‌ی باختری و حالا در یمن^۲ می‌دهد، دیگر نمی‌شود به تفاوت‌های ماهوی میان راست و چپ قائل بود، مگر در شیوه‌ی بیان‌شان.

می‌دانم که اشخاص بسیاری این دیدگاه را نفی می‌کنند و چه بسا ممکن است خشمگین شوند. اما در زمانه‌ی چنین دشوار و خطرناک‌ که اکنون در آن زیست می‌کنیم (و من مُصر هستم که استفاده از گزینه‌ی هسته‌ای هم بسیار به ما نزدیک است)، باید ساختارهای ذهنی‌ای را که طی دهه‌ها پروراندیم به پرسش بکشیم؛ ما به عنوان افرادی با گرایش چپ باید بتوانیم در تقابل با سنت‌های خودمان فکر کنیم؛ باید بتوانیم همه‌چیز را زیر سؤال ببریم، نه صرفاً آن چیزهایی را که طرف دیگر انجام می‌دهد و می‌گوید.

^۲ در زمان نگارش این نوشتار، در میانه‌ی ماه آگوست ۲۰۲۴، تهاجم شدید اسرائیل به لبنان هنوز آغاز نشده بود. - م.

مجادله بر سر تغییر اقلیم را در نظر بگیرید. راست، منکر تغییر اقلیم است و حاضر نیست هیچ کاری برای توقف آن انجام دهد و حتی از مصرف گسترده‌ی هیدروکربن‌ها حمایت می‌کند. ترقی خواهان زیاد درباره‌ی اقلیم صحبت می‌کنند و رویدادهایی مثل کنفرانس‌های سالانه‌ی تغییر اقلیم (COP) را ترویج می‌کنند، اما در عمل چیزی تغییر نمی‌کند چرا که حاضر نیستند نظام تولید و مصرف را دگرگون کنند، و اختیار تغییرات نهایی را به دست بازار می‌سپارند.

به طور خلاصه، آنچه که چپ و راست را جدا می‌کند، عمدتاً نظام‌های گفتاری آن‌هاست. انکار نمی‌کنم که این دو جریان در بعضی وجوه، سیاست‌گذاری‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند: در درصد تغییرات مزدی و مزایای بازنشستگی، در سیاست‌گذاری سخت‌گیرانه‌تر یا آسان‌گیرانه‌تر در قبال مهاجران، در ماچوئیسم کمتر یا بیشتر (البته بدون به پرسش کشیدن پدرسالاری که بنا به استدلال ماریا گالیندو، مستلزم انحلال ارتش‌هاست)، و در برخی وجوه دیگر که کم‌اهمیت هم نیستند.

[اما] نه بیشترین افزایش مزد قابل‌تصور، نه قانون‌گذاری‌های سخت‌گیرانه‌تر علیه متجاوزان و آزارگران، و نه قانونی کردن حضور همه‌ی مهاجران، نمی‌تواند بر بنیاد سیستم اثر کند. امروز، بنیاد سیستم جنگ است؛ و اگر این را درک نکنیم، به ورطه‌ی نوعی عمل‌گرایی فرومی‌افتمیم که اکنون مجال کشتار و نابودسازی فلسطینیان و یمنی‌ها و مردمان بومی آمریکای لاتین را داده است.

سیاست‌ورزی مبتنی بر «شر کمتر» بر کوتاه‌مدت تمرکز می‌کند، بی‌آنکه پیامدهای بلندمدت را بسنجد. مهم‌ترین پیامد بلندمدت، از دست دادن افق‌های استراتژیک و اراده‌ی به تغییر است؛ تغییری که بالضروره شامل کسب تاب‌آوری کافی برای به خطر انداختن وضع موجود از طریق شنا کردن بر خلاف جریان خواهد بود.

مگر به بیان والتر بنیامین، «وضع استثنایی» برای ستم‌دیدگان همیشه قاعده نبود؟ با گذر زمان، آسودگی پیروز شد: «هیچ چیز طبقه‌ی کارگر آلمان را بیش از این اندیشه که همسو با جریان آب شنا کند، فاسد نکرده است». بنیامین در تز هفتم در باب تاریخ چنین گفت که در این شناگریِ راحت‌طلبانه، «این طبقه هم نفرت را از یاد بُرد و هم ظرفیت فداکاری را».

آشکار است که ما در خورِ وضعِ پیشِ رو، عمل نمی‌کنیم.

پی‌نوشت:

● نسخه‌ی اصلی این متن به زبان اسپانیایی نگاشته شده است. برای ترجمه‌ی این متن از چند نرم‌افزار هوش مصنوعی برای تبدیل متن به انگلیسی کمک گرفتم و به‌علاوه، ترجمه‌ی انگلیسی ارائه‌شده‌ی هوش مصنوعی را به یک بومی اسپانیایی‌زبان نشان دادم تا ایرادات احتمالی ترجمه‌ی هوش مصنوعی را رفع کند. در نهایت هم، یکی از دوستان اسپانیایی‌بلد، ترجمه‌ی فارسی را با متن اسپانیایی مقابله کرد. از مسعود مقصودی که واسطه‌ی من برای نشان دادن متن به یک بومی اسپانیایی‌زبان شد قدردانم، و نیز از فهمیه تسلی‌بخش که متن فارسی را با متن اسپانیایی مقابله کرد و هم در ترجمه و هم در ویرایش متن فارسی، کمک‌های ارزشمندی داشت. متن اصلی نوشتار را می‌توانید در آدرس زیر بیابید:

<https://collectifmalgretout.net/2024/08/16/el-mal-menor-como-desercion-estrategica-r-zibechi/>